



بررسی جرم قاچاق کودکان و ارزیابی قوانین ایران و حقوق بین الملل

سمیه موذنی^۱، محمدموذنی^۲

۱- دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز کازرون

۲- دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز کازرون
s2007moazzeni@gmail.com

خلاصه

حجم عظیم قاچاق انسان به صورت یک موج از ابتدای دهه ۱۹۹۰ شدت گرفت و نیز مشابهتی با برده داری و خرید و فروش برده داشته است که سابقه در دوران قدیم دارد. از مهم ترین و گسترده ترین انواع قاچاق، قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان است. از زمره سودآورترین قاچاق، قاچاق اشخاص می باشد. قاچاق اشخاص یک جرم سازمان یافته فراملی است از آن رو که اولاً ارتکاب آن معمولاً از سوی باندهای تبهکار، که دارای تشکیلات و مرکزی می باشند، انجام می گیرد و ثانیاً این باندها با استفاده از تشکیلاتی که در کشورهای مختلف از آن برخوردارند، مرزهای کشورها را در می نوردند و جرایم خود را به فراسوی مرزهای یک کشور می کشانند. در این مقاله با روش کتابخانه ای به شناسایی قاچاق انسان به ویژه کودکان، تحلیل و ارزیابی اسناد بین المللی و قوانین داخلی در جهت ریشه کن شدن قطعی جرم قاچاق کودکان می باشد.

کلمات کلیدی: قاچاق کودکان، حقوق کودک، اسناد بین المللی، جرم سازمان یافته.

۱. مقدمه

کودکان همیشه مظلوم ترین و بی دفاع ترین گروه اجتماعی در جوامع بشری و در طول تاریخ به شمار می روند. کودکان به دلایل گوناگون از جمله ضعف بدنی، لطافت و ظرافت روحی و نداشتن قوه استدلال و بیان کافی همواره مورد بی مهری و سوء استفاده های شیدان و سوداگران ثروت در همه ی جوامع بوده اند با ورود به عصر ارتباطات و در دسترس قرار گرفتن اطلاعات برای همه ی مردم جهان و همچنین تضییع رو به فزاینده ی حقوق کودکان و سوء استفاده از این گروه، به تدریج سازمان های مختلف به دفاع از حقوق کودک پرداختند. در سال های اخیر کودکان تبدیل به کالایی محبوب در بازار جهانی شده اند. تجارت آن ها جهت اهداف پلید جنسی و یا اهداف غیر جنسی مثل کار اجباری در کارگاه ها، مزارع، فرزند خواندگی، تکدی گری (از طریق فروش و یا اجاره ی این کودکان به متکدیان حرفه ای) و یا نقل و انتقال مواد مخدر و غیره می باشد.

۲. تعریف قاچاق انسان

در پروتکل پالمو ۲۰۰۰، در بند (a) ماده ی سوم، قاچاق انسان بدین ترتیب تعریف شده است: "استخدام، انتقال، پناه دادن یا گرفتن اشخاص با رفتار تهدیدآمیز با استفاده از زور یا با استفاده از سایر اشکال اجبار از قبیل ربودن، تقلب، اغفال، سوء استفاده از قدرت یا از یک موقعیت آسیب پذیری یا پرداخت و دریافت منبع یا سودی برای دستیابی به رضایت یک شخص برای کنترل بر سایر اشخاص با هدف بهره برداری و استثمار است." طبق تعریف پروتکل بهره برداری و سوءاستفاده می تواند متضمن سوءاستفاده جنسی، کار اجباری، برده داری یا رویه های شبیه به آن باشد. نکته ی مهمی که این پروتکل به آن اشاره می کند این است که رضایت قربانی قاچاق انسان به منظور سوءاستفاده ی جنسی از وی نمی تواند عاملی برای نادیده گرفتن جرم قاچاق انسان باشد. زیرا کار جنسی ذاتاً بهره کشانه است بنابراین، رضایت یا کنترل زن بر وضعیت خودش هیچ اهمیتی ندارد. عوامل بروز و گسترش پدیده قاچاق انسان یکی از مهم ترین عوامل گسترش مساله قاچاق، پدیده جهانی شدن و تبعات ناشی از آن از جمله سهولت جابه جایی کالا، افراد و خدمات در مرزهای کشورها است. فقر، نابرابری، مناقشات مسلحانه یا مشکلات داخلی نیز از دیگر عوامل زمینه ساز این پدیده است. بنابر تعریف



سازمان بهداشت جهانی کودک هر انسان کمتر از ۱۸ سال است. مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد. بر پایه قوانین ایران، صغیر یا کودک کسی است که بالغ نشده است. متأسفانه سن بلوغ در مسایل مختلف حقوقی و سیاسی ایران یکسان نمی باشد. با وجود چنین قانونی، هنوز هم شاهد آنیم که کودکان بسیاری را به کار می گمارند. بسیاری از خانواده ها، کودکان زیر ۱۵ سال خود را به سر کار می فرستند و کارفرمایان بی توجه به ضوابط، مانع استخدام افراد زیر سنی که قانون مقرر کرده نمی شوند، و از به کارگیری کودکان در کارگاه های خود ابایی ندارند.

۳. علل توسعه بازار جهانی قاچاق انسان در دهه های اخیر

به طور کلی چند عامل اساسی در قاچاق کودکان آفریقایی به کشورهای مختلف این قاره و همچنین خارج از این قاره وجود دارد که از آن جمله می توان به عواملی نظیر فقر، اوضاع وخیم اقتصادی، فساد دولت ها، ساختار نامناسب اجتماعی، ناپایداری سیاسی، فجایع طبیعی، جنگ های فرقه ای و در نهایت تقاضای جهانی برای استفاده از نیروهای ارزان و سریع برای کارهای اجباری اشاره کرد. علل اصلی توسعه ی بازار جهانی حیات انسانی در دهه های اخیر عبارت است از: تجمع ثروت و سرمایه در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری استعماری که به سازمان ها و افراد امکان می دهد تا کمبودهای جسمی و روحی خود را از طریق خرید "انسان و اندام های انسانی" از کشورهای جهان سوم تامین کنند. رشد فنی در زمینه ی پزشکی و صنایع اتمی که امکان انتقال اعضای بدن و همچنین لزوم صدور زباله های سمی و اتمی را فراهم کرده است. افزایش فقر در جهان سوم و جز آن، افزایش فساد در طبقات حاکم بسیاری از کشورهای جهان سوم افزایش فقر موجب آن شده که پلیس و دستگاه های قضایی محلی با دلالت خریدهای انسانی و عوامل شرکت های بزرگ خریدار خارجی همکاری کنند. این عوامل دارای روابط دقیق، متقابل و ساختاری با یکدیگرند. عامل اول و دوم نتیجه ی انباشت سرمایه و ثروت در کشورهای توسعه یافته ی استعماری و حاصل غارت بازارهای کالا، سرمایه و کار با استفاده از زور و مکاتیبم بازار آزاد است که به سبب آن سرمایه و ثروت از کشورهای جهان سوم به سوی این کشورها جاری است و به آنان امکان توسعه داده است. افزایش فقر و فساد طبقه ی حاکم وابسته به استعمار نیز نتیجه ی روابط حاکم بر اقتصاد سرمایه داری جهان کنونی است. یکی از عوامل قاچاق، جنگ می باشد. جنگ، کشتار، غارت، به آتش کشیدن، شکنجه، تجاوز به زنان و کودکان، هدف قرار دادن غیرنظامیان و تمامی آن چه در جنگ اتفاق می افتد همگی باعث می شوند تا از کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال به عنوان سرباز و کار اجباری استفاده کنند. یکی از پیامدهای بحران اقتصادی در جهان، بردگی نوین می باشد که در قالب های مختلف بروز می کند این بحران، افراد را به سوی "کار اجباری" سوق داده، قاچاقچیان انسان با وعده های دروغین پیدا کردن شغل مناسب آن ها را فریب داده و این افراد قربانی قاچاق شده که اکثراً به کارفرماها برای کار در کارخانه ها و مکان های پست فروخته شده و کارفرماها با ساعات کار زیاد و دست مزد کم آن ها را به کار وامی دارند و یا گاهی اندک حقوقی دریافت می کنند گاهی هم حقوقی دریافت نمی کنند در واقع آن ها به این علت فروخته شده اند که برای کارفرمای خود کار انجام دهند.

در چین اغلب کودکان کار اجباری انجام می دهند و در این کشور کار اجباری به ویژه بردگی کودکان به عنوان یک مشکل اساسی وجود دارد. در آمریکا بردگی جنسی بیشتر شامل کودکان بی پناه می شود که به دست قاچاقچیان افتاده اند. آمریکایی ها ترجیح می دهند با کودکان روابط جنسی داشته باشند چون کودکان از لحاظ جسمی، بیماری کمتری دارند و اکثراً بیماری خاص ندارند و یا به بیماری های مقاربتی دچار نشده اند. در کشور ایران نیز کودکان به طرق مختلف مورد ایذا قرار گرفته و می گیرند. در حال حاضر در بسیاری از کارگاه های قالی بافی شهرستان ها به دلیل پائین بودن دستمزد از کودکان به عنوان نیروی کار استفاده می شود. کودکان در سنینی که نیاز به بازی، تحرک، آموزش و ... دارند، در زیرزمین های مرطوب و تاریک باید پای دار قالی بنشینند و قالی ببافند. دلیل دیگری که صاحبان کارگاه های قالی بافی را نسبت به کارگیری کارگران کودک متمایل می سازد بافت ظریف تر و یکنواخت تر کودکان نسبت به بزرگسالان است. در صورتی که طبق قانون کار، به کارگیری افراد زیر ۱۵ سال جرم محسوب می شود.



۴. شیوه های تجارت کودکان

تجارت کودک از جهان سوم به جهان صنعتی غرب، روش ها و شیوه های گوناگون دارد:

۱.۴. طریقه ی قانونی

در این روش، تجارت بچه تحت نظم و نظارت موسسات دولتی یا خصوصی کشورهای غرب قرار دارد که ظاهراً بر اساس ضوابط مشخص شده اقدام به یافتن کودکانی از جوامع جهان سوم برای زوج های متقاضی می کنند که وجود این موسسات و قوانین برای حفظ ظاهر است و به یک عمل نامشروع مشروعیت می دهد.

۲.۴. طریقه ی غیر قانونی

در این روش، دلالتان بچه با به کار بستن ترفندهای گوناگون در کشورهای جهان سوم، اقدام به دزدی و ربودن و یا خریدن و حتی سفارش بچه نموده، سپس آن ها را به صورت مختلف به کشورهای دیگر وارد می کنند و در آنجا با استفاده از موسسات دولتی یا خصوصی به این اقدامات خود جنبه ی قانونی می بخشند.

۵. ارزیابی قوانین داخلی

ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان به تعریف قاچاق انسان می پردازد تعریف ارائه شده در این ماده با تعریفی که در پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان مصوب ۲۰۰۰ پذیرفته شده یکسان است. شباهت زیاد پروتکل با تعریف قانون مذکور نشان دهنده ی این مطلب است که با وجودی که ایران پروتکل ۲۰۰۰ را امضاء نکرده و آنرا نپذیرفته ولی تا حد زیادی تعریف آن را مورد پذیرش قرار داده است. گرچه تعریف پروتکل ۲۰۰۰ بسیار کامل تر می باشد و همه موارد ممکن بهره کشی از افراد قاچاق شده را مدنظر قرار داده است. نکته ی مثبت این تعریف هم به مقاصد بهره کشی جنسی و هم به مقاصد غیرجنسی پرداخته است. در قانون فوق هم به اجبار و تهدید و هم به خدعه و نیرنگ توجه خاص داشته است. لذا اگر قاچاق به هر دو قصد چه قصد جنسی چه غیر جنسی از قربانی باشد این قانون هر دو را تحت پوشش قرار می دهد و مجرمانه محسوب می شود. در این قانون رضایت فرد قاچاق شده تاثیری در مجرمانه بودن یا نبودن آن ندارد و در هر دو صورت این عمل مجرمانه می باشد زیرا ممکن است با اغفال فرد قربانی رضایت وی جلب شده باشد. اگر قاچاق حتی با رضایت قربانی صورت گیرد در مجرمانه بودن آن تاثیری ندارد. در ماده ۳ اقدام به احاله نموده، مثل ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی ناظر بر آدم ربایی و در تبصره ی ۱ آن حکم نموده در صورتی که عمل قاچاقچی (تجارت قاچاق انسان) از مصادیق محاربه و افساد فی الارض باشد (ماده ی ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی) مجازات مرتکب مطابق یکی از شقوق چهارگانه ذیل ماده ی ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی یعنی: ۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد خواهد بود که وصف شخص حقیقی دارد (بند اول ماده ی ۶ قانون آیین دادرسی کیفری) که با اعمال این مجازات ها در خصوص سازمان یا گروه یا دسته متشکله به دلیل فقدان اراده ی مستقل عقلا ممکن و مقدور نیست مگر تعطیل آن ها و یا لغو مجوز تاسیس و یا اخذ جزای نقدی.

در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان گرچه در قانون دیگر جرمی با عنوان خاص قاچاق انسان این عنوان مجرمانه را نداریم ولی موارد مشابه ی دیگری در قانون در ارتباط با این جرم وجود دارد از جمله آدم ربایی، افساد فی الارض و... مخصوصاً در بحث جرم آدم ربایی بسیار مشابه قاچاق انسان می باشد. ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هر کس به قصد مطالبه ی وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد." تبصره ی ماده ی ۶۲۱ قانون مزبور



نیز شروع به ربودن را مستوجب سه تا پنج سال حبس می داند. با وجود این، ربودن انسان، به حکم قانون، موضوع جرمی است که اصطلاحاً آن را "آدم ربایی" می نامند. ماهیت جرم آدم ربایی، سلب آزادی از شخص مجنی علیه است. ماده ی ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی در مقام حمایت از نوزادان مقرر می دارد: "هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنان چه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد." منظور از طفل تازه متولد شده، همان نوزاد انسان است که نام آدم بر او صدق می کند. در این ماده جرم آدم ربایی رخ داده که اگر عنوان طفل در ماده ذکر نمی شد ماده ی ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی هم مشمول ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی می شد. علت این که قانون گذار واژه ی "دزدیدن" را به جای واژه ی "ربودن" برای ربودن طفل به کار برده است در حالی که دزدیدن معمولاً برای ربودن اموال به کار می رود، آن است که نوزاد به دلیل ناتوانی از حرکت و دفاع، در حکم مال می باشد. ماده ی ۶۳۱ ناظر به موردی است که شخصی، طفل تازه متولد شده را می رباید تا خودش او را بزرگ کند یا برای بزرگ کردن به دیگری بدهد یا آن را به جای فرزند خود بزرگ کند. اگر مرتکب ربودن طفل، او را به قصد اخذی یا هر منظور سوء دیگر برباید، مشمول ماده ی ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و این احتمال گرچه از ظاهر ماده ی ۶۳۱ به دست نمی آید اما احتمالی است که می توان آن را توجیه کرد. جرم ربودن طفل، یک جرم مستمر است. بنابراین تا زمانی که ادامه دارد، عنوان ربودن طفل بر آن صدق می کند. یا به عنوان جرم ربودن طفل تا زمانی صدق می کند که مجنی علیه، طفل و نوزاد باشد. بنابراین وقتی که طفل، بزرگ شد و از حالت نوزاد بودن خارج گردید و مرتکب، به عملیات مخفی کردن و ربودن ادامه داد، عنوان جرم دیگری هم بر آن عمل صدق می کند که ادامه ی همان عمل اولی است و در این جا تعدد جرم رخ می دهد. به نظر می رسد احتمال نخست با قواعد حقوقی و ظاهر دو ماده، سازگارتر است؛ زیرا ادامه ی نگه داری طفل، نتیجه ی جرم ربودن طفل است و ربایندگی، کودک را ربوده است تا نزد خود نگه داری و او را بزرگ نماید. تفاوت اساسی که این دو با یکدیگر دارند در این است که در جرم قاچاق انسان مجنی علیه یا قربانی، ممکن است هم اراده و هم رضایت داشته باشد و ممکن است مجنی علیه یا قربانی جرم، اراده نداشته باشد و هم چنین رضایت هم نداشته باشد که در این صورت که مجازات و حتی جرم تلقی شدن این عنوان مجرمانه، تاثیری ندارد و جرم قاچاق انسان تلقی می شود؛ ولی در جرم آدم ربایی، مجنی علیه یا قربانی جرم، هرگز اراده ندارد بنابراین در صورتی که مجنی علیه، اراده داشته باشد عنوان مجرمانه تلقی نشده و جرم آدم ربایی نمی باشد. در تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان چنانچه قربانی زیر ۱۸ سال باشد حداکثر مجازات در نظر گرفته شده است و مجازات آن را تشدید کرده است که این یکی از نکات مثبت این قانون می باشد که اگر فرد قربانی کودک باشد قاچاقچیان به حداکثر مجازات یعنی ده سال حبس محکوم می شوند که در بسیاری از کشورهای جهان هم وضعیت بدین گونه است و همگام با تعهدات ایران براساس کنوانسیون حقوق کودک نیز می باشد.

قانونگذار در مبحث عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی یکی از والدین در بند ۴ از ماده ی ۱۱۷۳ قانون مدنی به حمایت از کودکان می پردازد و این چنین عنوان می نماید: "سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکدی گری و قاچاق." و در ماده ی ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵) این گونه بیان می نماید: "هر گونه خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد." در بند ۴ ماده ی ۱۱۷۳ قانون مدنی قانونگذار به حمایت از کودکان توجه دارد با وجودی که اعمال انجام یافته در بند ۴ توسط یکی از والدین صورت گرفته باشد. یعنی با وجودی که شمار اندکی از والدین این گونه که در بند ۴ ماده ی فوق آمده است، از فرزند خود سوء استفاده می نمایند؛ ولی حمایت از این کودکان جزء مواردی است که نکته سنجی قانونگذار را بیان می دارد. در ماده ی ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، هر گونه خرید و فروش و بهره کشی و به کارگیری کودک در ارتکاب اعمال خلاف را ممنوع اعلام نموده است. در این جا منظور از بهره کشی، جنسی و غیر جنسی می باشد. این قانون ۲ سال قبل از قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسیده است و مجازاتی را که برای آن در نظر گرفته است با مجازات تعیین شده در تبصره ی ۱ ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان متفاوت است. در تبصره ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان چنانچه قربانی قاچاق کمتر از هجده سال تمام داشته باشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود. مجازات حبس ذکر شده در ماده ی ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان دو تا ده سال است و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از بزه دیده یا شخص ثالث وعده ی پرداخت آن به مرتکب داده شده است، در این جا قانونگذار به قاضی اجازه



داشته است که حداکثر مجازات را برای قاچاقچی در نظر بگیرد؛ در حالی که در ماده ی ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مجازات تعیین شده علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم کرده است. در تبصره ی ۱، بحث از افراد کمتر از هجده سال می باشد که در این صورت قانونگذار شرایط قربانی را در نظر گرفته و مجازات آن را تشدید کرده است.

۶. ارزیابی اسناد بین المللی

۱.۶. تعریف حقوق کودک در مقررات بین المللی

از نظر ماده ی ۱ کنوانسیون حقوق کودک، "کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتر تعیین شده باشد." در حالی که محتوای کنوانسیون حقوق کودک به تمامی افراد زیر ۱۸ سال تسری می یابد اما در مواردی تحت قوانین قابل اجرا در مورد کودکان، بلوغ در سنین کمتری تحقق می یابد. ماده ی ۱ کنوانسیون، واژه ی عمومی کودک را برای توصیف این گروه به کار می برد و مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، شامل هیچ قید و شرط دیگری در مورد آستانه ی سنی ۱۸ سالگی نبوده و همان گونه که از عنوان این سند برمی آید اصطلاح نوجوان را به تمامی افراد فوق اطلاق می کند. مقررات پکن، سن مشخصی را برای گروه مورد نظر نگرفته است و صرفاً واژه ی نوجوان را به کار برده است و در بند ۲ از ماده ی ۲ مقرر نموده است: "نوجوان عبارتست از کودک یا فرد جوانی که تحت نظام قضایی مربوط در صورت ارتکاب جرم به نحوی متفاوت با بزرگسالان با وی رفتار خواهد شد." در ماده ی ۴ مقررات فوق نیز آمده است: "در نظام های قضایی که مفهوم سن مسئولیت کیفری برای نوجوانان به رسمیت شناخته می شود آغاز این سن با توجه به واقعیت های بلوغ عاطفی، روانی و عقلی، در سطح سنی بسیار پایین تعیین نخواهد گردید".

راهنمادهای ریاض نیز شامل تعریف واضحی از طفل نمی باشند و تنها به بیان این مطلب می پردازند که: "تفسیر و اجرای این راهنمدها باید در چارچوب عمومی کنوانسیون حقوق کودک و مقررات پکن صورت پذیرد تا آن جا که به حد معینی مربوط می شود تعبیر منتج از وضعیت موجود این است که بالاترین سن (زیر ۱۸ سال) به عنوان ضابطه مورد استفاده قرار گیرد." با توجه به مواد مذکور در این اسناد بین المللی در می یابیم که هیچ کدام از آن ها در تعریف طفل تفاوتی بین دختر و پسر قائل نگردیده و بدون توجه به جنسیت، ملیت و یا شاخصه های دیگر، افراد زیر ۱۸ سال را به عنوان طفل معرفی نموده اند. هم چنین موضوع بلوغ که در قانون کشور ما مدنظر قرار گرفته است در این اسناد ملاک نمی باشد و صرفاً سن افراد را امر تعیین کننده در تعریف طفل می داند بنابراین افرادی که دارای ۱۸ سال و بالاتر باشند طفل محسوب نمی گردند و از امتیازاتی که در اسناد مذکور برای اطفال در نظر گرفته شده است بهره مند نخواهند گشت.

۲.۶. کنوانسیون ها و اعلامیه های کودکان

کودک از این جهت که موجود انسانی ضعیف و محتاج حمایت و هدایت و پرورش است و اوست که آینده ی جامعه ی بشری را رقم می زند پس انحراف او یا ضعف و ناتوانی اش در انحطاط و بحران جامعه ای که می خواهد آن را بسازد مؤثر است. از این روست که کودک، مورد اهتمام و توجه معاهدات و قراردادهای بین المللی قرار گرفته تا از این طریق جوامع را پای بند تربیت و اصلاح و بکارگیری اصول صحیح کند. حقوق کودکان جزء مسائلی است که به لحاظ داشتن رشد و توسعه ی فکری جوامع بشری جنبه ی فراملی به خود گرفته و از سطح قوانین و مقررات داخلی کشورها فراتر رفته است از این رو اسناد بین المللی مهمی در این زمینه از سوی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. اسناد سازمان ملل در این رابطه دو گونه می باشد: دسته ای از آن ها الزامی بوده و برخی دیگر جنبه ی ارشادی و توصیه ای دارند. از جمله اسناد الزام آور و مهم سازمان ملل در این زمینه، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ است که حاوی مقررات الزامی برای دولت های عضو می باشد. ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به صورت مشروط به این کنوانسیون پیوسته است.



کنوانسیون حقوق کودک، حاصل سال ها کار مستمر کارشناسان و متخصصین مسائل کودک است که شامل اصول راهنما در رابطه با حقوق کودکان برای تمامی کشورهای عضو می باشد. قواعد و مقرراتی که در این سند بین المللی در نظر گرفته شده، قواعدی کلی و عام الشمول است که کلیه ی افراد زیر ۱۸ سال را فارغ از گرایش های قومی، نژادی، مذهبی و فرهنگی در بر می گیرد. متن کنوانسیون به گونه ای تنظیم شده که در تمامی موارد منافع و مصالح کودک را در نظر می گیرد. ملزم نمودن کشورها به تعیین یک سن حداقل به عنوان سن مسئولیت کیفری، حقوق کودکان بزهکار و برخورداری آن ها از قوانین و مقررات عادلانه و تشکیلات قضایی مناسب از جمله مسائل مربوط به عدالت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار در کنوانسیون مذکور می باشد. در کنار کنوانسیون حقوق کودک، اسناد بین المللی دیگری نیز راجع به حقوق کودکان و نوجوانان مورد تصویب قرار گرفته است که می توان به بیانه ی حقوق کودک (۱۹۲۴ ژنو)، اعلامیه ی جهانی حقوق کودک (۱۹۵۹ ژنو)، مقررات پکن (معروف به قواعد بیچینگ ۱۹۸۵)، رهنمودهای ریاض (۱۹۹۰) و مقررات سازمان ملل در مورد حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰) اشاره نمود. هم چنین اسناد دیگری مانند اعلامیه ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین المللی حقوق مدنی - سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و ... حقوق کودکان را مطرح کرده اند.

۱.۲.۶. اعلامیه ی جهانی حقوق کودک

این اعلامیه از این جهت که موضوع آن به کودک و حقوق وی اختصاص دارد، حائز اهمیت است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر سال ۱۹۵۹ اعلامیه ی جهانی حقوق کودک را تصویب نمود. هر چند که تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد مادام که به تصویب مجالس مقننه یا مراجع تقنینی داخلی نرسیده باشد برای ممالک عضو ایجاد تعهد و مسئولیت سیاسی و قانونی نمی نماید و صرفاً جنبه ی توصیفی دارد اما از طرف دیگر هنگام رای گیری و تصویب اعلامیه ای در جلسه ی مجمع عمومی، کشوری رای موافق دهد از نظر عرف بین المللی برای او مسئولیت اخلاقی اجرای آن اعلامیه ایجاد می گردد. بدین ترتیب به طور غیر مستقیم جزء منابع حقوق داخلی می شود بنابراین می توان ادعا نمود که اعلامیه ی جهانی حقوق کودک از منابع غیر مستقیم حقوق داخلی است.

۲.۲.۶. کنوانسیون حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد و اکثر ممالک جهان نیز بدان پیوسته اند. این کنوانسیون نسبت به اعلامیه ی جهانی حقوق کودک، حقوق و امتیازات بیشتری را برای کودکان در نظر گرفته است.

۳.۲.۶. مقررات پکن

مقررات پکن معروف به قواعد بیچینگ در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این مقررات ناظر بر کلیه ی مقررات فرآیند کیفری صغار است که آن را در شش بخش بیان نموده است.

۴.۲.۶. راهبردهای ریاض

رهنمودهای ریاض در قطعنامه ی ۴۵/۱۱۲ در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۹۰ به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است که حاوی نکات دقیق و مفاهیم گسترده در خصوص سیاست جنایی اطفال و نوجوانان می باشد و اصول آن در ۷ بخش و ۶۶ بند انشاء شده است.

۵.۲.۶. مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی

مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی در قطعنامه ی ۴۵/۱۱۳ در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که دارای چهار بخش است.



۳.۶. ایران و پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک و اعلام حق شرط

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز جزء دولت هایی است که کنوانسیون حقوق کودک را امضاء و تصویب کرده است. کنوانسیون در اول اسفند ماه ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۱۱ اسفند ماه به تایید شورای نگهبان رسید. جمهوری اسلامی ایران هنگام امضای کنوانسیون در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ (شهریور ماه ۱۳۶۹) به این شرح اعلام حق شرط نمود: "جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد اعلام حق شرط می نماید و این حق شرط را برای خود محفوظ می دارد که هنگام تصویب کنوانسیون، در صورت تعارض با قوانین داخلی یا موازین اسلامی آن را لازم الرعایه نمی داند." علی رغم پذیرش این معاهدات توسط دولت ایران، برخی از آن ها هم چون اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، اعلامیه ی اسلامی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک توسط قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران مورد تعرض قرار گرفته و دولت ایران با تصویب قوانین معارض با معاهدات بین المللی مورد پذیرش، معاهدات مذکور را نقض کرده است. بسیاری از مقررات معاهدات مورد پذیرش دولت ایران جزو قواعد حقوق بشر محسوب شده بنابراین نقض آن موجب نقض اصول انسانی حقوق بشر می گردد. این امر، اتهام نقض حقوق بشر توسط دولت ایران را به همراه خواهد داشت لذا باید تدابیر مناسبی برای رفع این تعارضات اندیشیده شود.

۷. نتیجه گیری

اسناد بین المللی که تاکنون تدوین شده اند از امکان و توان پیش گیری و سرکوب کامل قاچاق کودکان برخوردار نیستند. در این راستا بر همه کشورهای جهان، سازمان ها و مراجع رسمی و معتبر بین المللی لازم است با این پدیده جهانی مقابله نمایند. اولین گام جهت مقابله با تجارت انسان وضع قوانین مناسب در مواجهه با این جرم بین المللی است و باید برای آن مجازات در نظر گرفت. سازمان ملل متحد با تلاش زیاد توانست پروتکل اصلاحی سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع برساند. در این کنوانسیون، تعریف روشنی از واژه قاچاق انسان ارائه نشده بود. سرانجام معاهده مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی و پروتکل های ضمیمه آن، در سال ۲۰۰۰ میلادی تدوین شد و به امضای حدود ۱۳۲ کشور رسید، اما تاکنون فقط در ۳ کشور تصویب شده است. این معاهده تنها زمانی قدرت اجرایی خواهد یافت که حداقل در ۴۰ کشور تصویب شود. در سال ۱۳۸۳ به پیشنهاد وزارت امور خارجه دولت لایحه ای تحت عنوان "مبارزه با قاچاق انسان" تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. لایحه دولت با قید دو فوریت تقدیم مجلس شده بود و در نشست علنی ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۳، دو فوریت آن را از تصویب گذراندند. ایران کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی را به امضا رسانده است. این پروتکل از جمله پروتکل های الحاقی به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی است.

مراجع

۱. زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲. اشتری، بهناز، قاچاق زنان و بردگی معاصر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
- ۳- بوسار، آندره، بزهکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران، کتابخانه ی گنج دانش، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.
۴. سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته ی فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن، مجله ی حقوقی، نشریه ی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ی ۲۹، پاییز ۱۳۸۲.
۵. سمرمدی، مهشید، بررسی شرط های کشورهای اسلامی بر کنوانسیون حقوق کودک با تأکید بر شرط ایران، ماهنامه ی اصلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ی ۴۹، بهمن ۱۳۸۱.
۶. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، تهران، ناشر و مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، بهار ۱۳۸۴.
۷. اشتری، بهناز، قاچاق زنان و بردگی معاصر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۵.
۸. صیدی، معصومه، در سوگ زندگی بررسی پدیده ی کودک آزاری، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، ۱۳۷۶.



کنفرانس ملی چار سوی علوم انسانی

National Conference on 4 Corners on Humanities

شیراز، بهمن ماه ۹۴

۱۰. تبریزی، ایرج، تجارت شیطانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۹.
۱۱. توفیقی، حسن، هوشدار، مهسا، بررسی موارد کودک آزاری جنسی در تهران، مجله ی پزشکی قانونی، شماره ی پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
۱۲. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات، انتشارات ققنوس، جلد اول و دوم و سوم، ۱۳۸۲.